

نوع مقاله: ترویجی

بررسی و تحلیل روایات ناظر به آدم‌نماهای قبل از حضرت آدم علیه السلام

m.ali.nikukalam@gmail.com

sft313@sharif.edu

محمدعلی نیکوکلام عظیم / کارشناس ارشد فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلامسیدفخرالدین طباطبائی / دکترای فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

چکیده

یکی از مباحث مهم در رابطه علم و دین، کیفیت پیدایش انسان است. از منظر علمی، نظریه تکامل به این بحث پرداخته است و از نظر دینی این بحث تحت عنوان خلقت حضرت آدم و حواء مطرح شده و در زمینه نسبت این دو، دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است. بیشتر آثاری که از سوی اندیشمندان مسلمان در این زمینه نوشته شده، با توجه به آیات قرآن بوده و به روایات در این زمینه توجه لازم نشده است. در حالی که در روایات اهل بیت علیهم السلام بحث پیدایش انسان با تفصیل بیشتری بیان شده و ابعاد جدیدی را در اختیار ما می‌گذارد. از منظر علمی انسان‌های نخستین بسیار قبل‌تر از زمانی که برای خلقت حضرت آدم علیه السلام در نظر گرفته شده بر روی زمین موجود بوده‌اند؛ و در صورتی که آدم و حوا به‌عنوان نخستین انسان‌ها بر روی زمین دانسته شوند، این موضوع یکی از تعارضات علم و دین قلمداد می‌شود. اما با توجه به روایات حضرت آدم و حوا نخستین آدمیان نبوده‌اند؛ بلکه قبل از آنها نیز موجوداتی آدم‌نما یا انسان‌نما بر روی زمین زندگی می‌کردند. بحث از اصل وجود و بیان خصوصیات این موجودات در روایات در حل این تعارض نقش اساسی دارد. در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای روایات ناظر به آدم‌نماها جمع‌آوری و مورد بررسی قرار می‌گیرد و زمینه را برای بررسی‌های تطبیقی میان علم و دین فراهم می‌کند. با تحلیل روایات در این موضوع اصل وجود آدم‌نماها و برخی از ویژگی‌های آنان، مانند خصوصیات ظاهری و اخلاقیات‌شان مشخص می‌شود. همچنین در مورد انقراض آنان نیز با توجه به روایات می‌توان گفت که یک امری مسلم بوده است.

کلیدواژه‌ها: آدم‌نماها، سناس، حضرت آدم علیه السلام، نظریه تکامل، خلقت انسان، علم و دین.

مقدمه

می‌برند. یکی از مباحث در مورد قدمت سکونت انسان بر روی زمین است. از منظر علمی قدمت انواع جنس انسان بر روی زمین به حدود دو میلیون سال پیش می‌رسد؛ درحالی‌که از منظر دینی عمر حضرت آدم حدود هفت یا هشت هزار سال پیش است. این اختلاف زمانی سبب شده تا این مسئله به‌عنوان یک شبهه به دین مطرح شود و بر دین هجمه شود. درحالی‌که براساس روایات اهل‌بیت^ع قبل از حضرت آدم آدمیان دیگری بر روی زمین سکونت داشتند و پاسخ این شبهه داده می‌شود. بیشتر آثاری که در مورد خلقت انسان تألیف شده، ناظر به خلقت حضرت آدم^ع بوده و به مسئله آدم‌نماها کمتر پرداخته شده است. آثاری که بحث آدم‌نماها را مطرح کردند نیز به بیان مباحث کلی مثل اصل وجود آنها بسنده کردند؛ درحالی‌که لازم است خصوصیات و عاقبت آنها نیز مورد بررسی قرار گیرد که هم خلقت حضرت آدم^ع به‌خوبی تبیین شود و هم در تطبیق علم و دین نکات اشتراک و اختلاف مشخص شود.

سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: با بررسی روایات ناظر به آدم‌نماها چه نتایج حاصل می‌شود؟

سؤال‌های فرعی نیز بدین قرارند: ۱. دیدگاه روایات در خصوص وجود آدم‌نمایی قبل از حضرت آدم چیست؟ ۲. بر طبق روایات، ویژگی‌های آدم‌نماها چیست؟ ۳. با توجه به روایات، عاقبت آدم‌نماها چگونه بود؟

مراد از اصطلاح آدم‌نما، آدمیانی است که قبل از خلقت حضرت آدم^ع بر روی زمین سکونت داشتند. در ابتدا اصل وجود آنها، سپس ویژگی‌های آنها و در آخر عاقبت آنها براساس روایات تحلیل و بررسی می‌شود.

۱. اصل وجود آدم‌نماها

پیرامون زمان خلقت حضرت آدم^ع ممکن است دو تصور غلط وجود داشته باشد که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تصور اول: زمان خلقت حضرت آدم^ع صدها هزار سال پیش فرض شود و به‌دنبال تطبیق دادن آن با آدم‌نمایی باشد که از منظر علمی مطرح هستند. براساس نظریه تکامل در فاصله ۲/۵ تا ۲/۳ میلیون سال پیش، در درون خانواده هومینیده، جنسی تکامل یافت که امروز جنس انسان یا هومو نامیده می‌شود. این جنس نشانگر جهشی در مسیر تکامل بوده و به زایش گونه‌های انجامید که انسان

بررسی رابطه علم و دین یکی از مباحث اساسی در دین‌شناسی، کلام جدید و فلسفه دین و دین است. یکی از مهم‌ترین مسائل آن منشأ پیدایش انسان است که همواره مورد توجه دانشمندان علوم تجربی و عالمان دینی بوده است. امروزه در مجامع علمی برای حل این مسئله، نظریه تکامل از جایگاه خاصی برخوردار است و شواهد زیادی بر اثبات آن ارائه شده است. از منظر دینی برای تبیین این موضوع لازم است ابتدا مسئله آدم‌نماهای قبل از حضرت آدم و حوا به‌طور دقیق تبیین شود و سپس خلقت حضرت آدم و حوا و در نهایت دیدگاه علم و دین در این مسئله بررسی شود. در مکتب تشیع روایات اهل‌بیت^ع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در برخی موارد به شرح آیات قرآن پرداخته و در برخی موارد ابعاد جدیدی را در اختیار ما می‌گذارد؛ پس ضروری است در این‌گونه مسائل به روایات رجوع کنیم. در روایات، به مسائل متعددی از خلقت حضرت آدم^ع اشاره شده که یکی از آنها بحث آدم‌نماهاست. در بخشی از این روایات به اصل وجود آدم‌نماها و در بخش دیگر به بیان توصیفات گوناگونی از آن پرداخته شده است. در این نوشتار توجه فقط بر روی شناخت کامل از آدم‌نماها براساس روایات است؛ تا زمینه برای مباحث دیگر فراهم باشد.

در برخی کتب حدیثی مانند *التوحید و علل الشرایع* شیخ صدوق و برخی از کتب تفسیری مانند *تفسیر عیاشی* محمدبن مسعود و *تفسیر قمی* علی‌بن ابراهیم قمی روایات مربوط به آدم‌نماها نقل شده است. در برخی دیگر از کتب و مقالات از این روایات در تبیین خلقت حضرت آدم^ع و بررسی آن، از نظریه تکامل استفاده شده است؛ مانند «آفرینش انسان در آموزه‌های اسلامی و نسبت آن با نظریه تکامل» (افضلی، ۱۳۹۱)؛ «بازتأملی در مدلول آیات ناظر به آفرینش نخستین انسان» (شورگشتی و آریان، ۱۳۹۴)؛ همچنین «بررسی تطبیقی تاریخ پیدایش انسان در زمین از نظر علم و آموزه‌های قرآنی و حدیثی» (دولت و افضلی، ۱۳۹۴) بیشتر به این موضوع توجه داشته‌اند؛ اما هیچ‌کدام به‌طور کامل خصوصیات آدم‌نماها را از نگاه روایات مورد بررسی قرار نداده‌اند.

امروزه برخی با استفاده از نظریه تکامل سعی در متزلزل کردن دین دارند؛ به این‌صورت که برخی از مباحث را به‌عنوان مباحث مسلم علمی مطرح می‌کنند و آنها را در تقابل با دین معرفی می‌کنند و دین را محکوم به بیان مطالب غیرواقعی کرده و حقانیت آن را زیرسؤال

۱-۲. بیان دوم: نسناس

برخی از روایات از موجوداتی با نام نسناس یاد می‌کند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «ان الله تبارک و تعالی أراد أن یخلق خلقاً بیده - وَ ذَلِکَ بَعْدَ مَا مَضَى مِنَ الْجِنِّ وَ النَّسْنَاسِ فِی الْأَرْضِ - سَبْعَةَ أَلْفِ سَنَةٍ» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۶)؛ خداوند تبارک و تعالی اراده کرد تا به دست خویش خلقی بیافریند و این در حالی بود که مدت هفت هزار سال بر جن و نسناس گذشته بود.

۱-۳. بیان سوم: جهانیان

از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده: «لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی الْأَرْضِ مُنْذُ خَلَقَهَا سَبْعَةَ عَالَمِينَ لَيْسَ هُمْ مِنْ وُلْدِ آدَمَ خَلَقَهُمْ مِنْ آدِيمِ الْأَرْضِ فَاسْتَكَنَهُمْ فِيهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ مَعَ عَالَمِهِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَا هَذَا الْبَشَرِ وَ خَلَقَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْهُ» (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۹)؛ خدای عزوجل در همین زمین از روزی که آن را آفریده، هفت عالم خلق کرده و هیچ‌یک از آن عوالم از نسل آدم ابوالبشر نبودند و خدای تعالی همه آنها را از پوسته روی زمین آفرید و نسلی را بعد از نسل دیگر ایجاد کرد و برای هر یک عالمی بعد از عالم دیگر پدید آورد، تا در آخر آدم ابوالبشر را آفرید و ذریه‌اش را از او منشعب ساخت.

۱-۴. بیان چهارم: خلقی که نه جن و نه ملک و نه انس است

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده: «ان الله خلق لها خمسين ألف عام فترکها قاعاً - قفراء خاوية عشرة ألف عام، ثم بدالله بدأ الخلق فيها، خلقاً ليس من الجن و لا من الملائكة و لا من الإنس، و قدر لهم عشرة ألف عام، فلما قربت آجالهم أفسدوا فيها فدمر الله عليهم تدميرا - ثم ترکها قاعاً قفراء خاوية عشرة ألف عام، ثم خلق فيها الجن و قدر لهم عشرة» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱)؛ خدا شروع به خلق در زمین کرد؛ خلقی که نه از جنیان بود نه ملائکه و نه انسان... یکی از دلایلی که بر اثبات وجود آدم‌نماها در روایات ادعا شده، روایتی در مورد مسئله حج است؛ به این بیان که زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: «جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَسْأَلُكَ فِي الْحَجِّ مُنْذُ أَرْبَعِينَ عَامًا فَتَفْتِنِي فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ بَيْتٌ يُحْجُّ قَبْلَ آدَمَ بِأَلْفِي عَامٍ تُرِيدُ أَنْ تَفْتَنِي مَسْأَلُهُ فِي أَرْبَعِينَ عَامًا» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۱۹)؛ خدا مرا فدای تو کند مدت چهل سال است که من درباره حج از تو سؤال می‌کنم، و تو مرا فتوا می‌دهی؛ پس فرمود: ای زراره، خانه‌ای که دو هزار سال قبل از آدم علیه السلام مورد حج بوده، می‌خواهی مسائلتش در چهل

خردمند یکی از آنهاست (وکیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۲). درحالی‌که از منظر اندیشمندان شیعی زمان خلقت حضرت آدم به حدود ۷ یا ۹ هزار سال پیش برمی‌گردد. علامه طباطبائی در *المیزان* می‌نویسد: «در تاریخ یهود آمده است که عمر نوع بشر از روزی که در زمین خلق شده تاکنون، بیش از حدود هفت هزار سال نیست؛ که اعتبار عقلی هم کمک و مساعد این تاریخ است. چون عامل تناسل در هر صد سال دو نفر را هزار نفر می‌کند و اگر این محاسبه را به‌طور تصاعدی تا مدت هفت هزار سال؛ یعنی هفتاد قرن ادامه دهیم؛ خواهیم دید که عدد بشر به دو بلیون و نیم می‌رسد، و این عدد همان عدد نفوس بشر امروزی است که آمارگران بین‌المللی آن را ارائه داده‌اند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۲۲). براساس برخی روایات زمان خلقت حضرت آدم حدود ۸ هزار و ۵۰۰ سال است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده: «ثم بدأ الله فخلق آدم و قدر له عشرة ألف عام، و قد مضى من ذلك سبعة ألف عام و مائتان - و أنتم فی آخر الزمان» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲)؛ خداوند آدم را خلق کرد و برای او ده هزار سال مقدر کرد که از آن زمان ۷ هزار و ۲۰۰ سال می‌گذرد و شما در آخرالزمان به سر می‌برید.

تصور دوم: هرچند زمان خلقت حضرت آدم علیه السلام مربوط به حدود ۷ یا ۸ هزار سال پیش دانسته شده؛ اما با این پیش‌فرض که از منظر دینی حضرت آدم علیه السلام اولین آدم بر روی زمین بوده؛ به دنبال بیان تعارض دیدگاه دین و شواهد علمی از فسیل‌هایی هستند که قدمت صدها هزار ساله دارند؛ بر این اساس دیدگاه خلقت الهی غیر واقع‌بینانه دانسته شده است. در رد این تصور باید گفت از منظر روایات، حضرت آدم علیه السلام به‌عنوان اولین آدم بر روی زمین نیست؛ بلکه قبل از او نیز آدم‌هایی بر روی زمین زندگی می‌کرده‌اند. در روایات با بیان‌های مختلف به وجود آنها اشاره شده است.

۱-۱. بیان اول: آدم‌ها

آدم‌هایی قبل از حضرت آدم علیه السلام وجود داشتند. امام محمدباقر علیه السلام فرمود: «و الله لقد خلق الله الف الف عالم و الف الف آدم أنت فی آخر تلك العوالم و اولئك ال آدمیین» (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۲۷۷)؛ به خدا قسم که خداوند هزاران هزار جهان و هزاران هزار آدم آفرید و تو در پایان آن جهان‌ها و آدم‌ها می‌باشی.

ادیم الارض به معنای ظاهر زمین است؛ گرچه برخی مانند شیخ صدوق معتقدند که ادیم نام زمین چهارم است که حضرت آدم از آن خلق شده است. در مورد کیفیت خلق آدم‌نماها و حضرت آدم از زمین، دو صورت متصور است؛ اینکه خلقت آنها به‌طور بی‌واسطه از خاک باشد و یا با واسطه. در مورد خلقت حضرت آدم ﷺ از خاک، دلیلی وجود دارد که خلق مستقیم از خاک را اثبات می‌کند، که باید به تفصیل بررسی شود؛ اما در مورد نحوه خلقت آدم‌نماها از زمین، روایاتی در دست نیست که خلق بی‌واسطه یا با واسطه را تأیید کند؛ در نتیجه نمی‌توان یکی از این دو صورت را به دیدگاه دین نسبت داد. با توجه به این نکته، علاوه بر بحث اصل وجود آدم‌نماها، در مورد کیفیت پیدایش آنها نیز میان علم و دین تعارضی نیست؛ یعنی حتی اگر کیفیت پیدایش آدم‌نماها براساس آنچه نظریه تکامل بیان می‌کند، کاملاً قطعی و درست باشد؛ در این زمینه میان شواهد علمی و آموزه‌های دینی تعارضی وجود ندارد؛ زیرا در روایات به تفصیل از این مسئله بحثی نشده است.

۲-۲. ظاهر آدم‌نماها

در بخش قبل به این مطلب اشاره شد که یکی از دلایل روایی بر وجود آدم‌نماها روایتی بود که از موجوداتی موسوم به نسناس نام برده بود. در مورد ماهیت نسناس چند دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول: برخی نسناس را قوم یا جوج و مأجوج می‌دانند. دیدگاه دوم: برخی معتقدند نسناس عده‌ای از قوم عاد بودند که در آن زمان مسخ شدند.

دیدگاه سوم: موجوداتی که شبیه انسان هستند؛ ولی دارای یک دست و یک پا بودند و در کتب اهل سنت از آنان بحث شده است.

دیدگاه چهارم: براساس روایتی، مخالفان اهل بیت ﷺ به‌عنوان نسناس معرفی شده‌اند. در روایتی از امام سجاد ﷺ آمده: «إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فَقَالَ أَخْبِرْنِي أَنْ كُنْتَ عَالِمًا عَنِ النَّاسِ وَعَنْ أَشْبَاهِ النَّاسِ وَعَنِ النَّسْنَسِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَا حُسَيْنُ اجِبِ الرَّجُلَ فَقَالَ الْحُسَيْنُ ﷺ أَمَا قَوْلُكَ أَخْبِرْنِي عَنِ النَّاسِ فَخُنَّ النَّاسُ وَ لِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِي كِتَابِهِ - ثُمَّ أَيْضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ فَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ الَّذِي أَفَاضَ بِالنَّاسِ - وَ أَمَا قَوْلُكَ أَشْبَاهِ النَّاسِ فَهُمْ شَيْعَتَنَا وَ هُمْ مَوَالِينَا وَ هُمْ مِنَّا وَ لِذَلِكَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ - فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ أَمَا قَوْلُكَ النَّسْنَسُ فَهُمْ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ

سال به پایان رسد؟ برخی ادعا کردند که این روایت نیز وجود آدم‌نماها را تأیید می‌کند. محمدتقی مجلسی در شرح این بخش از روایت بیان کرده: «فقال: يا زرارَةَ بيت يحج قبل آدم» کان يحججه الملائكة أو مع بنى الجان ملائكة، یا فرزندان جان به حج مشغول بودند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۵ ص ۲۱۴). اما در روایتی از امام صادق ﷺ نقل شده که ملائکه قبل از حضرت آدم حج انجام می‌دادند: «لما افاض آدم من منى آدم حَجَّه لَقَيْتَهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْأَبْطَحِ فَقَالُوا يَا أَدَمُ بَرَّ حَجُّكَ أَمَا إِنَّا قَدْ حَجَّجْنَا قَبْلَ أَنْ تَحْجَهُ بِالْفِيءِ عَامٍ...» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۲۰)؛ زمانی که آدم از منی کوچ کرد فرشتگان در سرزمین ابطح از او استقبال کردند و گفتند حجت مقبول باد ما دو هزار سال پیش از آنکه بر این خانه طواف کنی، آن را طواف کرده‌ایم. با توجه به تصریح وجود آدم‌نماها قبل از خلقت حضرت آدم ﷺ در روایات، مشکل تعارض علم و دین در این مسئله حل می‌شود. در نهایت باید توجه داشت که این شواهد علمی در واقع تأییدی است به سخنان اهل بیت ﷺ که به هزار و چندی سال پیش بازمی‌گردد و این خود نشانه برخوردار بودن اهل بیت ﷺ از علم الهی است.

۲. خصوصیات آدم‌نماها

در روایات امامیه علاوه بر اشاره به وجود آدم‌نماها به ذکر خصوصیات از آنان پرداخته شده که آگاهی از آنها در بررسی تطبیقی آموزه‌های دینی با شواهد علمی کشف شده از آدم‌نماها مؤثر است. در این بخش به چند نمونه از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. کیفیت پیدایش آدم‌نماها

در بخشی از روایت امام محمدباقر ﷺ آمده است: «لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ مُنْذُ خَلَقَهَا سَبْعَةَ عَالَمِينَ لَيْسَ هُمْ مِنْ وُلْدِ آدَمَ خَلَقَهُمْ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۵۹)؛ خداوند عزوجل از زمانی که زمین را خلق کرد در آن هفت عالم را خلق کرد که از فرزندان آدم نبودند و آنان را از ظاهر زمین خلق کرده بود. براساس این روایت آدم‌نماها از ادیم الارض خلق شده‌اند در مورد خلقت حضرت آدم ﷺ نیز همین موضوع بیان شده است. در روایتی از امیرمؤمنان علی ﷺ آمده است: «ان الله عزَّ و جلَّ خلق آدم من أديم الأرض» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۳). همچنین در روایتی از امام صادق ﷺ آمده: «إِنَّمَا سُمِّيَ آدَمَ لِأَنَّهُ خُلِقَ مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵)؛ به این خاطر آدم را آدم نامیدند که از ادیم آفریده شده است.

نیستند. علامه عسکری در کتاب خود با عنوان *عبدالله بن سبا*، در فصلی تحت عنوان افسانه نسناس به نقد و بررسی نسناس به معنای موجودی که دارای یک دست و یک پا و یک چشم و نصف صورت انسان است و همچنین نسناس به عنوان قومی منسوب به قوم عاد، می‌پردازد. ایشان معتقد است منشأ این روایات ساخته سیف بن عمر تمیمی است که در علم‌الحديث نزد شیعه و سنی فردی زندیق دروغ‌پرداز و غیرموقوت به‌شمار می‌آید. سیف احادیثی از زبان شخصی به نام *عبدالله بن سبا* که اصلاً وجود خارجی نداشت و نامی خیالی برای خود سیف بوده، درست می‌کند تا بدین وسیله برای طائفه بنی‌تمیم ارزش و اعتباری جعل بکند.

۲-۳. عقل، اختیار و تکلیف آدم‌نماها

با تکیه بر چند شاهد در روایات می‌توان پی به عاقل و مختار و حتی مکلف بودن آدم‌نماها برد.

شاهد اول زمانی که خداوند پرده آسمان را کنار زد و ملائکه به نسناس و جن نظر کردند، تأسف خوردند و به مذمت آنان پرداختند و به آنان نسبت گناه کاری دادند و از خداوند پرسیدند با وجود گناهان بزرگ آنان، چرا مجازات نمی‌شوند؟ در قسمتی از روایت امیرمؤمنان علی علیه السلام اینچنین آمده: «فَلَمَّا رَأَوْا مَا يَعْمَلُونَ فِيهَا مِنَ الْمَعَاصِي وَ سَفْكِ الدَّمَاءِ - وَ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ عَظَمَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ - وَ غَضِبُوا وَ تَأَسَّفُوا عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَمْ يَمْلِكُوا غَضَبَهُمْ - قَالُوا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ - الْقَادِرُ الْجَبَّارُ الْقَاهِرُ الْعَظِيمُ الشَّانِ - وَ هَذَا خَلْقَكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ يَتَلَبَّؤُونَ فِي قَبْضَتِكَ - وَ يَعِيشُونَ بِرِزْقِكَ وَ يَسْتَعْمُونَ بِعَافِيَتِكَ - وَ هُمْ يَعْصُونَكَ بِمِثْلِ هَذِهِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ - لَا تَأْسَفْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَغْضَبْ وَ لَا تَنْتَقِمْ لِنَفْسِكَ» (قطب‌الدین رواندی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹).

با توجه به این روایت باید گفت اگر آدم‌نماها از عقل برخوردار نبودند و راه درست و غلط را نمی‌شناختند و با اختیار خود راه غلط را انتخاب نکرده بودند؛ مذمت‌ها و نسبت‌های گناه‌کاری که به آنان توسط ملائکه داده شد و همچنین سؤال از اینکه چرا از خداوند آنان انتقام نمی‌گیرد، جایز نبود.

شاهد دوم در بخشی از روایت امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده بود که نسناس و جن از امر خداوند سرپیچی کردند: «... ثُمَّ أَنْ طَائِفَةٌ مِنَ الْجِنَّ وَ النَّسَّاسِ الَّذِينَ خَلَقَهُمُ اللَّهُ وَ أَسْكَنَهُمْ أَوْسَاطَ الْأَرْضِ مَعَ الْجِنِّ تَمَرَّدُوا وَ عَتَوْا عَنْ أَمْرِ اللَّهِ فَمَرَحُوا وَ بَعَوْا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ عَلَا

إِلَى جَمَاعَةِ النَّاسِ ثُمَّ قَالَ أَنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»؛ مردی خدمت امیرمؤمنان علیه السلام شرفیاب شده عرض کرد: اگر به راستی تو مرد عالم و دانشمندی هستی بمن خبر ده از: «ناس» (مردم) و اشیاء ناس و نسناس؛ امیرمؤمنان علیه السلام به حسین (فرزندش) فرمود: پاسخ این مرد را بده. امام حسین علیه السلام فرمود: اما اینکه گفتم: ناس کیست؟ مائیم مردم، و به همین جهت خدای متعال در قرآن کریم فرموده: «پس از همانجا که مردم کوچ کنند، شما هم کوچ کنید» (بقره: ۱۹۹)؛ و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن کسی بود که مردم را کوچ داد (یعنی مردم مأمور شدند که از آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندانش کوچ کردند، کوچ کنند و این دلیل است بر اینکه مقصود از مردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان اویند). و اما اینکه از اشیاء مردم پرسیدی؛ پس آنها شیعیان ما هستند، و هم آنها دوستان ما هستند و آنها از ما هستند، و از همین رو ابراهیم علیه السلام فرمود: «هرکه از من پیروی کند پس او از من است» (ابراهیم: ۳۶). و اما گفتارت که از «نسناس» پرسیدی؛ آنها اکثریت مردمند؛ و با دست خود اشاره به گروه مردم کرد سپس فرمود: «نیستند آنها جز همانند حیوانات؛ بلکه در روش خود گمراه‌ترند (فرقان: ۴۴)» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۲۴۴).

دیدگاه پنجم: نسناس آدم‌نماهایی بودند که قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام به همراه جن بر روی زمین زندگی می‌کردند. «خَلَقَ خَلْقًا دُونَهُمْ لَهُمْ أَيْدَانٌ وَ أَرْوَاحٌ بَغَيْرِ أُجْحِيحَةٍ يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ نَسَّاسٌ أَشْبَاهُ خَلْقِهِمْ وَ لَيْسُوا بِإِنْسٍ وَ أَسْكَنَهُمْ أَوْسَاطَ الْأَرْضِ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ» (قطب‌الدین رواندی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۶).

در روایات اهل‌بیت علیهم السلام فقط به دیدگاه چهارم و پنجم اشاره شده و این دو قابل جمع هستند؛ زیرا نسناس یک معنای عام دارد و آن موجودی است که از جهتی به انسان شباهت دارد و از جهتی تفاوت دارد. یک مصداق آن موجوداتی است که قبل از حضرت آدم علیه السلام بودند و از جهت ظاهری شبیه آدم؛ ولی از جهت عقلی و روحی متفاوت بودند. در مورد مصداق دوم نسناس که مخالفان اهل‌بیت علیهم السلام هستند؛ باید گفت انسان‌های حقیقی اهل‌بیت علیهم السلام هستند و پیروان آنان در ظاهر و مسلک شبیه آنان می‌باشند؛ اما مخالفان آنان صرفاً شباهت ظاهری دارند؛ ولی در واقع راه و روش‌شان از آنان جدا و در گمراهی به‌سر می‌برند؛ همانند حیوان‌ها که در این بعد از انسان‌ها پایین‌تر هستند و چه‌بسا اینها از حیوانات پست‌تر هستند. آنها اگرچه در ظاهر شبیه مورد سه دیدگاه اول هستند؛ اما از منظر روایات قابل تأیید

ج. پیشی گرفتن از یک دیگر در سرکشی از خداوند: «وَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْعُنُوفِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى».
 د. خون ریزی: «سَفَكُوا الدَّمَاءَ فِيمَا بَيْنَهُمْ».
 هـ. فساد آشکار: «أَظْهَرُوا الْفَسَادَ».
 و. انکار ربوبیت الهی: «وَجَحَدُوا رَبُّوبِيَّةَ اللَّهِ تَعَالَى».
 ز. انجام گناهان کبیره: «وَهُمْ يَعْصُونَكَ بِمِثْلِ هَذِهِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ».

۳. عاقبت آدم‌نماها

۳-۱. احتمال اول: نابودی تمام آدم‌نماها قبل از خلقت حضرت آدم

اینکه تمام آدم‌نماها قبل از خلقت حضرت آدم ﷺ نابود شدند و خلقت حضرت آدم ﷺ مستقل از آنها بوده باشد. صریح برخی روایات این است که میان نابودی آدم‌نماها و شروع خلقت حضرت آدم ﷺ فاصله وجود دارد. خدا به موسی ﷺ فرمود: «ثُمَّ خَلَقْتُ ثَلَاثِينَ آدَمَ وَمِنْ آدَمَ إِلَى آدَمَ أَلْفَ سَنَةٍ فَأَنْبَتُهُمْ كُلَّهُمْ بِقَضَائِي وَقَدَرِي... ثُمَّ خَرَّبْتُهَا فَمَكَتَتْ خَرَابًا خَمْسِينَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ بَدَأْتُ فِي عِمَارَتِهَا فَمَكَتَتْ عَامِرَةً أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ خَلَقْتُ آدَمَ بِيَدِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَتَ الظُّهْرِ وَلَمْ أُخْلُقْ مِنْ الْطَّيْنِ غَيْرَهُ وَ أُخْرِجْتُ مِنْ صَلْبِهِ النَّبِيُّ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ»؛ ۳۰ آدم خلق کردم و از هر آدم تا آدم دیگر هزار سال گذشت؛ در نهایت به قضا و قدر خویش همه را نابود کردم... سپس شروع به خلق پدیرت آدم کردم» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۲۵).
 همچنین ظاهر برخی روایات این است این امر قبل از خلقت حضرت آدم ﷺ بوده؛ زیرا خدا قبل از خلقت حضرت آدم از اعمال آنها پرده برداشته و اراده کرده آنها را از روی زمین نابود کند و حضرت آدم را جایگزین آنها بر روی زمین قرار دهد. اگر در بحث مقام جانشینی حضرت آدم طبق آیه ۳۰ سوره «بقره»، معتقد شویم حضرت آدم جانشین اقوام پیشین و جنان بود، این احتمال بیشتر تقویت می‌شود. در روایاتی که به نابودی نسناس‌ها اشاره شده، این لفظ به صورت عام (النسناس) استعمال شده است؛ پس شامل تمامی آنها می‌شود. خدای تعالی فرمود: «وَأَبِينُ النَّسْنَسِ مِنْ أَرْضِي فَأُظْهِرُهَا مِنْهُمْ...» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴)؛ نسناس را از زمین جدا می‌کنم و زمینم را از آنها پاک می‌گردانم. اگرچه روایت اول صریح بود؛ اما از نظر سندی معتبر نیست. از ظاهر روایات دیگر نیز نابودی آدم‌نماها قبل از خلقت حضرت آدم برداشت نمی‌شود؛ زیرا در این روایات

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْعُنُوفِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى سَفَكُوا الدَّمَاءَ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَ جَحَدُوا رَبُّوبِيَّةَ اللَّهِ تَعَالَى» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۶)؛ پس از جانب خداوند امری بوده است که آنان باید به آن عمل می‌کردند؛ ولی سرپیچی کردند. هرچند مشخص نیست این امر چگونه به آنان ابلاغ شده و ماهیت آن امر چه بوده؛ ولی به طور اجمالی فهمیده می‌شود آنان مکلف بوده‌اند و لازمه تکلیف، عقل و اختیار است. نکته دیگر اینکه در این روایات برای نسناس همانند جن، احوال مشابهی ذکر می‌کند و حال آنکه عاقل و مختار بودن و همچنین مکلف بودن آنها مسلم است و این قرینه‌ای است بر اینکه نسناس هم این‌گونه هستند.

همچنین با توجه سؤالی که خداوند از ملائکه در مورد اعمال و اطاعت نسناس و جن می‌پرسد مشخص می‌شود آنان موظف به اعمالی بودند: «... هَلْ تَرْضَوْنَ أَعْمَالَهُمْ وَ طَاعَتَهُمْ لِي فَأَطَعَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ رَأَوْا مَا يَعْمَلُونَ فِيهَا مِنَ الْمَعَاصِي وَ سَفَكِ الدَّمَاءِ وَ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ بَغَيْرِ الْحَقِّ...» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹).
 شاهد سوم از برخی روایت این‌گونه برداشت می‌شود که بهشت و جهنم خلق شده‌اند و خالی از مؤمنان و کافران نیست و چه بسا آدم‌نماها از ساکنین بهشت و دوزخ باشند. این روایت از امام صادق ﷺ نقل شده است: «وَلَا وَاللَّهِ مَا خَلَّتِ الْجَنَّةُ مِنْ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ مُنْذُ خَلَقَهَا وَ لَا خَلَّتِ النَّارُ مِنْ أَرْوَاحِ الْكُفَّارِ وَ الْعَصَاةِ مُنْذُ خَلَقَهَا عَزَّ وَ جَلَّ...» (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۵۹).

بنابراین بهشت یا دوزخی شدن آنان مستلزم مکلف بودن آنان است و اینکه عاقلانه و از روی اختیار دست به انجام اعمال خویش زده‌اند.

۲-۴. اطاعت و عصیان آدم‌نماها

در مورد طاعت آدم‌نماها فقط به یک مورد اشاره شده و آن هم تقدیس خداوند است؛ ولی کیفیت آن مشخص نیست: «نَسْنَسُ أَشْبَاهَ خَلْقِهِمْ وَ لَيْسُوا بِإِنْسٍ وَ أَسْكَنَهُمْ أَوْسَاطَ الْأَرْضِ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مَعَ الْجِنِّ يَقْدُسُونَ اللَّهَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتَرُونَ...» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۶).

اما به معاصی آنان اشاره بیشتری شده است که بیان می‌شود:

الف. سرپیچی و تجاوز از امر الهی: «تَمَرَّدُوا وَ عَتَوْا عَنْ أَمْرِ اللَّهِ».
 ب. تکبر و تجاوزگری در زمین: «فَمَرَحُوا وَ بَعَوْا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ».

فاصله وجود داشته است که در بخش خلقت حضرت آدم بیان خواهد شد. در نتیجه ممکن است زمان نابودی نسناس‌ها بعد از خلقت آدم و قبل از هبوط او بروی زمین باشد. یعنی اگرچه این احتمال پذیرفته شود که آدم‌نماها بعد از خلقت حضرت آدم نابود شدند؛ اما هیچ ارتباطی بین اینها نبوده است. نکته دیگر این است در روایات اهل بیت علیهم السلام هیچ سخنی از ارتباط حضرت آدم با آدم‌نماها در مدت زندگی‌اش وجود ندارد؛ یعنی اگر آدم‌نماها بعد از خلقت حضرت آدم زنده بودند، درباره معاشرت حضرت آدم با آنها چیزی نقل نشده است.

۳-۳. احتمال سوم: نابودی گروهی قبل از خلقت حضرت آدم

ممکن است فقط گروهی قبل از خلقت آدم نابود شدند. در برخی از روایات اشاره شده، عده‌ای از نسناس‌ها طغیان کردند؛ در نتیجه ممکن است فقط همان گروه قبل از خلقت حضرت آدم نابود شده باشند: «ثُمَّ أَنْ طَائِفَةٌ مِنَ الْجِنِّ وَالنَّسْنَسِ الَّذِينَ خَلَقَهُمُ اللَّهُ وَاسْكَنَهُمْ أَوْسَاطَ الْأَرْضِ مَعَ الْجِنِّ تَمَرَّدُوا وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ اللَّهِ فَمَرَحُوا وَبَعَوْا فِي الْأَرْضِ بَغْيَ الْحَقِّ وَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْعَتُوِّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى سَفَكُوا الدَّمَاءَ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَجَحَدُوا رَبُّوبِيَةَ اللَّهِ تَعَالَى» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۵). در برخی دیگر از روایات بیان شده علاوه بر بنی آدم، مردمان دیگر نیز بر روی زمین زندگی می‌کنند؛ مانند روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام که فرمود: «سُئِلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنِ الْخَلْقِ فَقَالَ خَلَقَ اللَّهُ الْآلِفَا وَ مَاتَيْنِ فِي الْبَرِّ وَ الْآلِفَا وَ مَاتَيْنِ فِي الْبَحْرِ وَ الْجَنَسُ بَنَى آدَمَ سَبْعُونَ جِنْسًا وَ النَّاسُ وَ لَدَى آدَمَ مَا خَلَا يَأْجُوجُ وَ مَا جُوجُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۲۲۰)؛ مردمان همه فرزند آدم هستند بجز یا جوج و ما جوج.

در نهایت باید گفت از منظر روایات نابودی نسناس‌ها قطعی است؛ اما زمان و تعداد نابودشدگان در روایات تصریح نشده و می‌توان احتمالاتی را در این زمینه تصور کرد؛ اما به دلیل نبودن شواهد کافی مورد توجه واقع نمی‌شوند. همچنین از منظر علمی انقراض برخی از انواع انسان‌ها مسلم است. برای نمونه، انسان راست‌قامت که جدیدترین سنگواره‌های آن در منطقه دالی در چین یافته شده است، به حدود ۲۰۰ هزار سال پیش تعلق دارد. این گونه در همین برش زمانی به‌طور ناگهانی منقرض شده و جمعیت آنها به هنگام انقراض حدود یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود (وکیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴) و

سخن از اراده خدا به خلقت حضرت آدم و نابودی آدم‌نماهاست؛ ولی در مورد زمان تحقق آن مطلبی ذکر نشد. همچنین در بخشی دیگر از آن روایت آمده: «قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ انظُرُوا إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَلْقِي مِنَ الْجِنِّ وَالنَّسْنَسِ فَلَمَّا رَأَوْا مَا يَعْمَلُونَ فِيهَا مِنَ الْمَعَاصِي وَ سَفْكِ الدَّمَاءِ وَ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ بَغْيَ الْحَقِّ عَظُمَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ غَضِبُوا لِلَّهِ وَ أَسْفُؤا عَلَى الْأَرْضِ وَ لَمْ يَمْلِكُوا غَضَبَهُمْ أَنْ قَالُوا يَا رَبِّ.. لِمَا تَسْمَعُ مِنْهُمْ وَ تَرَى وَ قَدْ عَظُمَ ذَلِكَ عَلَيْنَا وَ أَكْبَرْنَاهُ فَبِكَ فَلَمَّا سَمِعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالَ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً لِي عَلَيْهِمْ فَيَكُونُ حُجَّةً لِي عَلَيْهِمْ فِي أَرْضِي عَلَى خَلْقِي...» بعد از اعتراض ملائکه به اعمال نسناس‌ها خدا به ملائکه فرمود می‌خواهم بر روی زمین جانشینی قرار دهم برای خودم بر آنها... (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴)؛ بنابراین آنها بعد از خلقت آدم باید زنده مانده باشند تا حضرت آدم به‌عنوان حجت خدا بر آنان باشد.

۳-۲. احتمال دوم: نابودی تمام آدم‌نماها بعد از خلقت حضرت آدم

نابودی تمام آنها بعد خلقت حضرت آدم علیه السلام بوده است؛ حال ممکن است با نسل آدم ارتباط پیدا کرده باشند یا خیر؛ زیرا در روایاتی که بر از بین بردن آدم‌نماها دلالت دارد، اول بحث اراده خلق حضرت آدم علیه السلام مطرح شده؛ سپس نابودی آدم‌نماها؛ پس نابودی آنها بعد از خلقت حضرت آدم بوده است: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَخْلُقَ خَلْقًا يَبْدِي أَجْعَلُ ذُرِّيَّتَهُ أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ وَ عِبَادًا صَالِحِينَ وَ أَيْمَةً مُهْتَدِينَ أَجْعَلُهُمْ خَلْقًا عَلَى خَلْقِي فِي أَرْضِي يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ الْمَعَاصِي وَ يُنذِرُونَهُمْ عَذَابِي وَ يَهْدُونَهُمْ إِلَى طَاعَتِي وَ يَسْأَلُونَ بِهِمْ طَرِيقَ سَبِيلِي وَ أَجْعَلُهُمْ حُجَّةً لِي عُذْرًا أَوْ نُذْرًا وَ أَبِينُ النَّسْنَسَ مِنْ أَرْضِي فَأَطْهَرُهَا مِنْهُمْ وَ أَنْقُلُ مَرْدَةَ الْجِنِّ الْعُصَاةَ عَنْ بَرِّي...» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴). در نقد این احتمال می‌توان گفت که در این بخش روایات فقط از اراده خدا به انجام خلقت حضرت آدم و نابودی نسناس سخن گفته شده و ترتیب بین آنها در مقام تحقق روشن نیست. به‌علاوه با توجه به بحث خلقت حضرت آدم و سکونتش در زمین و اینکه در مورد جن گفته شده که خدا اراده کرده تا با نسل آدم ارتباطی نداشته باشند؛ احتمال نابودی نسناس قبل از سکونت حضرت آدم بر روی زمین بیشتر می‌شود. اگر ترتیب بین خلقت و نابودی نسناس از روایات برداشت شود، بین زمان خلقت حضرت آدم تا سکونت او بر زمین

منابع.....

- افضلی، علی، ۱۳۹۱، «آفرینش انسان در آموزه‌های اسلامی و نسبت آن با نظریه تکامل»، *پژوهشنامه فلسفه دین*، ش ۲۰، ص ۱۱۳-۱۳۴.
- دولت، محمدعلی و علی افضلی، ۱۳۹۴، «بررسی تطبیقی تاریخ پیدایش انسان در زمین از نظر علم و آموزه‌های قرآنی و حدیثی»، *پژوهش‌های علم و دین*، سال ششم، ش ۱۲.
- شورگشتی، مرادعلی و حمید آریان، ۱۳۹۴، «بازتاملی در مدلول آیات ناظر به آفرینش نخستین انسان»، *قرآن‌شناخت*، سال هشتم، ش ۱۵، ص ۲۶-۵.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۳، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- ____، ۱۳۷۷، *جامع‌الآخبار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ____، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری.
- ____، ۱۳۹۸، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین.
- ____، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰، *تفسیر عیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.
- قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبه‌الله، ۱۴۰۹ق، *قصص الأنبیاء*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- قمی، علی‌بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر القمی*، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالتحذیر.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- محمدطاهری، مهدی، ۱۳۹۵، *زندگی نئاندرتال‌ها از آغاز تا انقراض*، خمین، مؤسسه پژوهشی شمع هجر پرواز.
- وکیلی، شروین، ۱۳۹۴، *فرگشت انسان*، تهران، شورآفرین.

یا در مورد انسان فلورسی گفته شده علت انقراض آن احتمالاً فعالیت آتشفشان جزیره فلورس در حدود ۱۲ هزار سال پیش بوده است (همان، ص ۱۶۱). و یا در مورد انسان‌های نئاندرتال گفته شده براساس شواهد دیرین شناختی، بین ۳۰ تا ۴۰ هزار سال پیش فاجعه‌ای طبیعی برای آنها رخ داده و همه آنها را در عرض چند هزار سال منقرض کرده است؛ هرچند ماهیت این فاجعه به درستی مشخص نیست (همان، ص ۲۱۵). همچنین گزارش‌هایی از جنگ و خون‌ریزی میان انسان خردمند و انسان نئاندرتال ارائه شده، مانند شواهدی که نشان می‌دهد در سینه یک نئاندرتال نیزه‌ای برخورد کرده و موجب مرگش شده که ساخت دست انسان خردمند بوده است (محمدطاهری، ۱۳۹۵، ص ۸۳). در روایات نیز به جنگ و فساد آدم‌نماها اشاره شده است. در بخشی از یک روایت آمده بود: «آدم‌نماها دست به خون‌ریزی میان یکدیگر و آشکار کردن فساد زدند».

نتیجه‌گیری

با تحلیل و بررسی روایات اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با آدم‌نماها مطالبی آشکار شد که در آیات قرآن از آنها بحثی نشده بود. با تبیین روایات مشخص شد اصل وجود آدم‌نماها مسلم و قطعی است؛ که به فسیل‌های کشف و با قدمت زیاد در علم قابل تطبیق هستند. با توجه به این روایات دو باور غلط مورد نقد واقع شد: اول اینکه حضرت آدم و حوا به‌عنوان اولین آدمیان بر روی زمین نبوده‌اند؛ دوم اینکه عمر حضرت آدم حدود ۷ یا ۸ هزار است و فسیل‌های با قدمت بیشتر با نسل آدم قابل تطبیق نیستند. در روایات منشأ پیدایش آدم‌نماها زمین دانسته شده است؛ و از آنجاکه اشاره به باواسطه و یا بدون واسطه بودن آن نشده، در این زمینه هم نمی‌توان گفت تعارضی وجود دارد. در روایات خصوصیات متعددی از آدم‌نماها بیان شده؛ مانند ظاهر آنها، قدرت انتخاب و عقل آنها؛ در موارد مختلفی از اعمال و رفتارهای آنها سخن گفته شده بود؛ مانند اطاعت‌ها و عصبان‌های آنها؛ همچنین جنگ و خون‌ریزی آنها که در این زمینه نیز با شواهد به‌دست‌آمده از علم، سازگار است. در نهایت در مورد عاقبت آدم‌نماها چند احتمال مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه آن شد که آنچه مسلم است، نابودی آدم‌نماهاست؛ اما در مورد زمان و تعداد نابودشدگان نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد. بحث انقراض آدم‌نماها نیز به آنچه براساس شواهد علمی کشف است، سازگار است.